

## درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۵ دی ۱۴۰۲

موضوع جزئی: آیه ۵۴ - ادامه تفسیر بخش دوم - ۳. رابطه قتل نفس و توبه - ۴. لزوم توبه واقعی - مصادف با: ۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۵

جلسه: ۲۰

۵. وجه امر به قتل نفس - ۶. معنای قتل نفس

# الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین

### خلاصه جلسه گذشته

بحث در بخش دوم آیه ۵۴ بود، «فَتَوْبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ». دو مطلب را درباره این بخش بیان کردیم. یکی درباره توبه و حقیقت آن، که در مورد بنی اسرائیل به واسطه ظلمی که به خودشان و به دیگران و به خداوند کرده بودند، باید به سوی خدا بازمی‌گشتند. دوم اینکه چرا از میان اسماء حسنا الهی، در این آیه اسم باری ذکر شده است، در حالی که می‌توانست خالق و ربّ و بسیاری از اسماء حسنی دیگر ذکر شود؛ این را هم توضیح دادیم.

### ۳. رابطه قتل نفس و توبه

اینکه در ادامه امر به توبه و بازگشت به سوی خداوند، می‌فرماید: «فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ» خودتان را بکشید. سؤال این است که آیا قتل نفس که مأمور به است، تفسیر توبه است یا تفسیر توبه نیست، بلکه کاری است که لازمه توبه است؟ دو احتمال اینجا وجود دارد:

احتمال اول: یک احتمال این است که بگوییم توبه تفسیر شده به قتل نفس؛ یعنی بدون قتل نفس اساساً توبه تحقق پیدا نمی‌کند؛ توبه یعنی قتل النفس.

بررسی: این احتمال به نظر می‌رسد دچار اشکال است؛ برای اینکه توبه حقیقتاً به معنای بازگشت از یک کار قبیح و زشت و رجوع از معصیت و قصد به طاعت و عدم بازگشت به معصیتی است که پیش از این مرتکب شده است. این مسلماً با قتل نفس مغایر است مفهوماً و مصداقاً؛ این چطور می‌تواند تفسیر آن باشد؟ بنابراین نمی‌توانیم بگوییم این تفسیر آن است.

احتمال دوم: احتمال دیگری که اینجا وجود دارد و حق هم است، این است که این اقدام تکمیلی و متمیمی است برای پذیرش توبه؛ یعنی توبه باید صورت بگیرد و اینها بنای جدی و عزم راسخ بر بازگشت به سوی خداوند تبارک و تعالی داشته باشند، آن وقت در ادامه باید قتل نفس (که در ادامه توضیح خواهیم داد) را هم انجام بدهند. این نظیر هم دارد، مثلاً در مورد مرتد گفته می‌شود مرتد باید توبه کند و بعد کشته شود؛ یعنی علاوه بر توبه، امر به قتل هم وجود دارد. یا مثلاً کسی که دیگری را به قتل عمد از بین برده، هم باید خودش را تسلیم کند و اگر نتوانست رضایت اولیای دم را کسب کند، باید کشته شود. اینها دو مسأله جداسازی و ربطی به هم ندارند؛ در مانحن فیه هم همینطور است. اینجا توبه به عنوان اولین گام مطرح شده، یعنی باید به سوی خدا برگردند و قصد جدی برای بازگشت به سوی خداوند تبارک و تعالی داشته باشند؛ بعد هم آن اتفاق باید بیفتد تا توبه تکمیل و تمام شود.

این مطلب سوم بود، که خلاصه امر به قتل نفس که در آیه ذکر شده، تفسیر امر به توبه نیست؛ به عبارت دیگر قتل نفس، تفسیر و بیان برای توبه نیست، بلکه گام دیگری است برای توبه؛ توبه به جای خود، قتل نفس هم به جای خود.

#### ۴. لزوم توبه واقعی

اینجا که سخن از توبه به میان آمده و می‌فرماید «فَتُوبُوا إِلَى بَارئِكُمْ»، بازگشت به سوی خداوند تبارک و تعالی و باری داشته باشید، در واقع می‌خواهد بگوید این توبه شما باید یک توبه نصح و واقعی و خالصانه باشد. چون توبه ممکن است ظاهری صورت بگیرد؛ کسی به حسب ظاهر و ریاء اظهار پشیمانی و توبه کند، اما در واقع بازگشتی در کار نباشد. خداوند می‌فرماید توبه شما باید به سوی حق تعالی و به سوی باری باشد. توبه به سوی باری یعنی این بازگشت حقیقتاً به سوی خدا باشد، بازگشت واقعی باشد، توبه نصح باشد، نه بازگشت ظاهری و از روی ریا. چه اینکه اگر آن باشد، اساساً «توبوا الی بارئکم» صدق نمی‌کند؛ یعنی خود امر به توبه به سوی خداوند، حکایت از این می‌کند که این توبه باید یک توبه حقیقی و واقعی باشد، نه توبه ظاهری و ریایی. چون توبه ظاهری و از روی ریا اساساً توبه نیست، توبه به سوی پروردگار نیست، توبه قلبی نیست، عزم بر ترک معصیت محسوب نمی‌شود؛ لذا برای اینکه توبه واقعی باشد، می‌فرماید «توبوا الی بارئکم».

#### ۵. وجه امر به قتل نفس

مطلب بعدی این است که چرا اینجا امر به قتل نفس شده است؟ قبل از اینکه ببینیم معنای قتل نفس چیست، چون بحث مهم در اینجا این است که اساساً قتل نفس امر به خودکشی می‌کند یا امر به دیگرکشی؟ یک وقت می‌گویید خودتان را بکشید، یک وقت می‌گویید دیگران را بکشید؛ هر کدام باشد مشکل دارد. معنای آن را بعداً عرض می‌کنیم. سؤال پیش از رسیدگی به آن مسأله و آن پرسش این است که اصلاً چرا امر به قتل نفس شود؟ حالا چه خودکشی و چه دیگرکشی؟ علت امر به قتل چیست؟ این یک مسأله مهمی است که به هر حال شاید از مختصات دین یهود و از جمله سخت‌گیری‌هایی باشد که نسبت به یهود در دین حضرت موسی وجود داشت. یهودیت معروف است به داشتن قوانین سخت و با شداد و غلاظ، که شاید بسیاری از آن قوانین از محمد(ص) برداشته شد. صرف نظر از آن، در خصوص اینجا که امر به قتل به دنبال توبه و طلب عفو از گناه شرک مطرح شده، همین است که در یهودیت مجازات ارتداد، قتل و کشته شدن بود. اینها مرتد شده بودند؛ اینها از دین موسی(ع) خارج شده بودند؛ اینها اول به حضرت موسی ایمان آوردند، موسوی شدند؛ بعد، از دین موسی خارج شدند؛ پس ارتداد محقق شده بود. در آن زمان خروج از دین موسی بسیار سخت و مجازات سنگینی داشت؛ مجازات این بود که یا باید همدیگر را می‌کشتند یا باید خودشان را می‌کشتند، که حالا این را توضیح خواهیم داد. شرک و پرستیدن عجل به جای خداوند تبارک و تعالی، طبیعتاً مجازات سنگینی داشته و این همان مجازات سنگین است. پس علت امر به قتل این است که ارتداد صورت گرفته و رجوع به شرک شده که مجازات آن مرگ است.

#### ۶. معنای قتل نفس

معنای «اقتلوا انفسکم» چیست؟ اینکه امر به قتل نفس می‌کند و می‌فرماید خودتان را بکشید، اینجا چندین احتمال ذکر شده که من خلاصه این احتمالات را عرض می‌کنم و بعد ان شاء الله مقتضای تحقیق را هم بیان خواهیم کرد. فرمان به قتل

معلوم است؛ عمده بحث در «انفسکم» است که «انفسکم» به چه معناست.

### دو احتمال

۱. بعضی از مفسرین احتمال داده‌اند که «انفسکم» یعنی خودتان را، هر کسی خودش را از بین ببرد، یعنی خودکشی. این به عنوان یک احتمال در بعضی از تفاسیر مطرح شده است، مثلاً المنار در ذیل همین آیه به این احتمال اشاره کرده که منظور از «انفسکم» یعنی خودتان.

۲. احتمال دیگر اینکه منظور نفوس و همه کسانی است که به عنوان بنی اسرائیل شناخته می‌شدند؛ این شامل نزدیکان و اقرباء و ارحام و حتی غیر اقرباء و ارحام که از قوم بنی اسرائیل شناخته می‌شدند بود. یعنی هر کسی دیگران از قوم بنی اسرائیل را، آن کسانی که با آنها رفت‌وآمد دارد و از بستگان و خویشاوندان و رحم گرفته تا غیر از آن. این در حقیقت دستور به دیگرکشی است.

احتمال دوم از نظر قواعد ادبی و واژه‌شناسی چندان دور از ذهن نیست که لفظ انفس به کار برود اما از آن، دیگران اراده شود. «انفسکم» لزوماً خود شما نیستید بلکه منظور دیگران هستند؛ مثلاً «ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ»<sup>۱</sup> یا «فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ»<sup>۲</sup>، وقتی شما در این خانه‌ها داخل شدید، سلمو علی انفسکم، یعنی به خودتان سلام کنید؟ معلوم است که ظاهر آیه با این معنا سازگار نیست. انفس شما یعنی اقربا و فرزندان‌تان، نفوس اقربا و فرزندان و ارحام منظور است. پس استعمال «انفسکم» در بستگان اعم از رحم، دوست و آشنا و آنهایی که مثلاً از نظر قومیت اشتراک دارند، مشکلی ندارد.

پس احتمال اول که منظور از «انفسکم» خودتان است، روشن است و این احتمالی است که حداقل این لفظ و این واژه تحمل آن را دارد. احتمال دوم هم هر چند با این معنا نزدیک نیست، بالاخره اینجا منظور دیگران است، ولی دیگرانی که بالاخره یک وجه اشتراکی با شما دارند، یا برادر هستند یا خواهرند یا از ارحام‌اند یا همشهری هستند یا همه از یک منطقه هستید یا همه از یک قوم هستید؛ پس به این شکل هم اگر گفته شود، اشکالی ندارد. این دو احتمال اینجا وجود دارد؛ اینجا بین مفسران خیلی بحث صورت گرفته و اینها برای مدعای خودشان هم ادله‌ای ذکر کرده‌اند. این اجمالی از این اختلاف بود، تا بعد به ادله برسیم و ان شاء الله آنها را بررسی کنیم.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. سوره بقره، آیه ۸۵.

۲. سوره نور، آیه ۶۱.